وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

حکومت آینده تخصص و تعهد ص۲

شبی والاتر از هزار ماه ص۷

دولت مردم سالار آینده وچالش تفکیک قوا ص۶

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ بیست و نهم | چهارشنبه ۶ عقرب ۱۳۸۳ | ۱۳ رمضان المبارک ۱۴۲۵ - 27 October 2004

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در همایش مشورتی مجمع متخصصان:

ملت ها وقتی می توانند به خود ببالند که مقام دانش را در زندگی خود درک کنند

اگر دیروز مجاهدین از حریم دین واستقلال دفاع می کردند امروز بار دیگر دانشمندان ما از حریم دین واستقلال و عزت افغانستان باید دفاع کنند



استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در همایش مشورتی مجمع عمومی متخصصان افغانستان که به تاریخ ۲۹ میزان سال جاری به ابتکار آقای [illegible] وزیر مشاور [illegible] برگزار [illegible] ارزشمند [illegible] کامل آن را به نشر می سپاریم.

الحمدلله وکفی و سلام علی عباده الذین اصطفی وبعد:

برادران و خواهران گرامی! با ابراز سپاس از شما یاد آور باید شوم که افتخار این تجمع وهر افتخاری که به ارتباط همچو گردهم آیی ها نصیب دوستان شود، مربوط به آن عزیزانی است که در این مجمع سهم گرفتند.

من در این مجمع هنگامی شرکت کردم که دوستان قدم هایی موفقانه به پیش گذاشته بودند لذا همه افتخارات وابتکارهای با ارزش، مربوط به این دوستان عزیز و سایر دوستانی که یکجا فکر کردند وتصمیم گرفتند می باشد.

من به یاد دارم، زمانی که دوستان از اولین اجلاس شان بنده را مطلع کردند برای شان گفتم که در گوشه یی از لیست تان نام مرا هم به حیث یک عضو تان بنویسید و از سیرت پیغمبرصلی الله علیه وسلم حکایتی را برای شان بیان نمودم و گفتم آن گاه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم هنوز به پیغمبری مبعوث نشده بودند. شنیدند که جمعی از جوانان پرشور وبا احساس به منظور دفاع از زایران مظلومی که به زیارت خانهٔ کعبه می آمدند و رهزنان به آنها تعرض می کردند ومال شان را به تاراج می بردند، در اطراف خانهٔ کعبه جمع شدند و از هر مظلوم وستم دیده یی که به زیارت خانهٔ کعبه می آمد دفاع می کردند، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از این تصمیم جوان ها خبر شد و به آنها گفت: "من هم به عنوان یک تن از اعضای شما، عضویت تان را می پذیرم".

ص۳

خلیل زاد د افغانستان د ټولټاکنو په باب امریکائي مقاماتو ته رپوټ وړاندي کړ



په افغانستان کي د امریکا د متحده ایالاتو د جمهور رئیس جورج بوش ځانګړي استازي او د امریکي فوق العاده سفیر زلمي خلیل زاد په افغانستان کي د انتخاباتو له تر سره کیدو وروسته واشنګټن ته دیوه سفر په ترڅ کي له جمهور رئیس بوش د بهرنیو چارو وزیر کولن پاول، د امریکي د ملي امنیت سلاکاري کونډالیز رائیس او نورو جګ پوړو چارواکو سره د کتني پر مهال دوي ته دافغانستان دانتخاباتو د بهیر دڅرنګوالي په باب مفصل معلومات وړاندي کړل او دغه ټول ټاکني ئي د افغانستان د پنځه زره کلن تاریخ په اوږدو کي یو مهم ګام وباله نوموړي له خبریالانو سره د مرکي په ترڅ کي وویل: چي امریکا په افغانستان کي مناسب اهداف لري او دنوموړي هیواد ډیري ګټي د افغانستان له بریالیتوب سره تړاو لري ده وویل موږ ولیدل چي د افغانستان پرینبودل امریکا له ستونزو سره مخامخ کړه چي د سپتمبر یوولسمه یوه له هغو څخه ده

حضور مردم در انتخابات بسیاری از پیش بینی ها و قضاوت ها را زیر سؤال برد

ص۵

نتایج بررسی تخلفات در انتخابات اعلام گردید

مقامات انتخاباتی افغانستان ضمن اذعان به بروز تخلفات در جریان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نتیجه رأی دهی را قابل قبول دانسته اند.

ری کندی، ازمسئولان ارشدکمیسیون انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، گفته است که گرچه در برخی از صندوق های اخذ رأی دستکاری صورت گرفته و آرای اضافی در آنها ریخته شده است اما میزان تخلفات در حدی نبوده است که نتیجهٔ نهایی رأی گیری را مورد تردید جدی قرار دهد.

به گفتهٔ وی، کمیسیون در انتظار انتشار نتایج تحقیقات کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد در مورد تخلفات انتخاباتی است و پس از آن، نتیجهٔ نهایی شمارش آرا اعلام خواهد شد.

با شمارش ۹۸،۴ در صد از آرای ریخته شده به صندوق های رأی دهی چنین به نظر می رسد که حامد کرزی ۵۵،۵ فیصد آرا را به دست آورده است.

به این ترتیب، وی در دور اول برگزاری رأی گیری به ریاست جمهوری خواهد رسید.

سخنگوی حامد کرزی در یک نشست مطبوعاتی به روز سه شنبه، ۵ عقرب گفت که آقای کرزی

ص۲





نتایج شمارش آرا در روز سه شنبه

آخرین نتایج شمارش آرای انتخابات ریاست جمهوری تا ساعت ۴ بعد از ظهر روز سه شنبه ۵ عقرب، در مجموع ۸۰۲۷۸۹۴ رأی حساب شده است که ۹۸،۴ فیصد مجموع آرا را تشکیل می دهد، از جمله آرایی که به گونه یی قانونی حساب شده است ۷۹۲۴۹۴۰ و تعداد آرایی که غیر قانونی خوانده شده است ۱۰۲۹۵۴ می باشد

نتایج این شمارش به صورت جداگانه از جانب کمیسیون مشترک تنظیم انتخابات چنین گزارش شده است:

حامد کرزي	٤٣٩٧٣٠٦	٥٥،٥٪
محمد یونس قانونی	١٢٨٣٩٥٢	١٦،٢٪
حاجی محمد محقق	٩٢٣٧٥٦	١١،٧٪
عبدالرشید دوستم	٨٠٢٦٣٣	١٠،١٪
عبداللطیف پدرام	١٠٠٤٤٦	١،٣٪
مسعوده جلال	٨٨٣٩٧	١،١٪
سید اسحاق گیلانی	٧٨٩٢٢	١،٠٪
احمدشاه احمدزي	٥٩٥٤٥	٠،٨٪
عبدالستار سیرت	٢٩٦٧٧	٠،٤٪
همایون شاه آصفی	٢٥٨٨١	٠،٣٪
غلام فاروق نجرابی	٢٤٠٨٣	٠،٣٪
سید عبدالهادی دبیر	٢٣٧٦٣	٠،٣٪
عبدالحفیظ منصور	١٩٣٩٤	٠،٢٪
عبدالهادی خلیل زي	١٧٩٩١	٠،٢٪
میر محمد محفوظ ندایی	١٥٧٢٠	٠،٢٪
محمد ابراهیم رشید	١٣٦٠٣	٠،٢٪
وکیل منگل	١١٦٣٩	٠،١٪
عبدالحسیب آرین	٨٢٣٢	٠،١٪

انتخابات ریاست جمهوری و نتایج نا پیش بینی شده

ص۲

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

حکومت آینده تخصص و تعهد

اکنون پس از شمارش نزدیک به کل آرای انتخابات ریاست جمهوری محقق گردیده است که آقای کرزی برندهٔ این انتخابات است که شاید به زودی این نتیجه از سوی دفتر مشترک تنظیم انتخابات به گونهٔ رسمی اعلام شود. اکنون این پرسش به عنوان یک مسأله اساسی مطرح است که حکومت آیندهٔ آقای کرزی چگونه حکومتی خواهد بود؟

آقای کرزی - که به گفتهٔ سخنگوی ایشان از همین حالا رایزنی در بارهٔ ترکیب وتشکیل حکومت آینده را آغازیده است - چه ملاحظاتی مهم را در نظر خواهد داشت؟

آقای کرزی ناگزیز است در تشکیل حکومت آیندهٔ خویش به ملاحظاتی بسیار توجه داشته باشد به گونه یی که به هیچ وجه نمی تواند از کار آی بودن آن غفلت ورزد.

بی تردید یکی از مباحث کار آی بودن حکومت آینده متخصص بودن آن است تا به نیازهای دوران ثبات وباز سازی پس از بحران و ویرانی که پیوسته آقای کرزی به تحقق آن وعده سپرده است پاسخ گوید.

آقای کرزی به سادگی می تواند برای براورده نشدن وعده هایش در این عرصه ها در ادارهٔ مؤقت و دولت انتقالی استدلال کند وآنها را معلول شرایط اضطرار وبیرون از گزینش او داند وخویشتن را در آن معذور وا نماید. اما هرگز یک چنین عذری برای او در آینده نخواهد ماند.

آقای کرزی باید توجه داشته باشد که برای به دست آوردن اهداف حکومت آینده اش عنصر تعهد کمتر از تخصص نقش ندارد.

البته مراد ما در این جا از تعهد سر دادن شعارهای بلند بالا و وابستگی کور به سازمان و برنامهٔ سیاسی و یژه یی نیست، بل توجه داشتن به هویت قانونی و فرهنگی و اخلاقی و تمدنی جامعه و سرناسازگاری نداشتن با ثوابت آن است. متخصصی که به این ارزشها بی باور باشد نمی تواند این کشور را در رفتن به سوی توسعه یاری برساند، بل عامل بسیاری از گرفتاری ها و پس ماندگی های افغانستان در پهلوی سنت های باز دارنده، عملکردهای ناشیانهٔ به اصطلاح متخصصان و روشنفکران بوده است. همه دشواری های همین حکومت آقای کرزی برخلاف آنچه از سوی شماری گفته می شود ناشی از وجود جنگ سالاران نیست، بلکه بسیاری از این مشاکل را برخی از همکاران ایشان که خود را متخصص می خوانند با پشت کردن به فرهنگ و ارزش های مردم ایجاد کرده اند.

افغانستان امروز به متخصصانی نیاز دارد که به سخن مولانای ما علم بر دل آنان زده باشد و نه بر سر شان.

علم اگر بر دل زند یاری بود
علم اگر به سر زند ماری بود

متخصص بیگانه با فرهنگ و ارزشهای اصیل مردم راهی در میان مردم باز نخواهد کرد و خود در لای برنامه هایش خواهد پوسید.

دستگاه آقای کرزی در کنار توجه به تعهد متخصصان، تخصص آنان را نیز مورد ارزیابی قرار دهد تا هر تر دست کلاه بردار خویشتن را درجامهٔ کارشناس وکاردان نزند.

باید دولت آینده در زمینه های گونه گون به متخصصان افغانی اولویت بدهد به ویژه به متخصصان محروم و زنگ زده که سالیان بحران ومحنت را در کنار ملت شان بودند ومیزان کار آیی شان هیچگاهی از متخصصان بیرونی کمتر نیست کما این که هزینه شان بسیار کمتر از هزینهٔ آنان است.

اگر آقای کرزی بتواند در تشکیل حکومت آیندهٔ خویش به موارد آمده در بالا توجه کند، بی تردید دولت وی حمایت مردم را با خود خواهد داشت چیزی که بدون آن نمی توان به دوام موفقیت آمیز حکومتی امیدوار بود.

انتخابات ریاست جمهوری ونتایج نا پیش بینی شده

محمد نسیم فقیری

قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و حتی پس از انتقال متمدنانهٔ قدرت، برخی از تحلیلگران غرض ورز و یا مطرح شده توسط اجانب را گمان بر آن بود که دوران گروه ها و شخصیت های معروف سال های جهاد و مقاومت به پایان رسیده است و امروز نه تنها جایگاه و پایگاه مردمی ندارند بلکه با نفرت و انزجار توده های میلیونی مردم نیز مواجه می باشند.

تعدادی از مبصران و تحلیلگران خارجی نیز به همین عقیده بودند و یا اگر درست تر گفته شود، تحلیل های خارجی ها توسط داخلی ها تکرار می گردیده است!

تبلیغ و تلقین برنامه ریزی شده و دوامدار گروه مذکور بر این تحلیل غیر واقع بینانه و نادرست استوار بود که با در نظر داشت زوال تدریجی محبوبیت چهره های نامدار جهاد و مقاومت و از دست دادن حمایت مردمی، بالآخره رئیس دولت انتقالی اسلامی با اکثریت قریب به اتفاق برنده خواهد شد و دیگران نخواهند توانست که بیش از یک درصد ارا را به دست بیاورند!

ولی دیده شد که اینان یا از واقعیت ها بی خبرند و یا نمی خواهند به آن اعتراف نمایند؛ زیرا یکی از واقعیت های بسیار روشن و آشکار "مجاهد" بودن شخص آقای کرزی است. موصوف دارای افتخار جهاد و هجرت می باشد و عضو برجستهٔ یکی از تنظیم های مجاهدان بوده است. بنا بر این او را در برابر مجاهدین قرار دادن و یا وانمود ساختن این که او از مجاهدان نیست یک عمل نادرست و یک جفای بزرگ در حق نامبرده می باشد.

به همگان معلوم است که همه رهبران محترم تنظیم های جهادی مانند محترم استاد ربانی، محترم استاد سیاف، محترم شیخ محمد آصف محسنی ودیگران بنا بر اقتضای مصالح علیای کشور در این مرحله، امنیت، تفاهم و بازسازی حمایت شان را از نامزدی محترم کرزی اعلام نموده بودند وبدون شک همین تأیید وحمایت نقشی بزرگ در برنده شدن موصوف داشته است.

در مورد سه نامزد معروف دیگر، آقایان قانونی و محقق و دوستم باید گفت:

باوجودی که ایشان کاندیدای تشکیلات سیاسی - نظامی گذشتهٔ شان نبودند و اضافه بر آن هر یک دارای مشکلات ونا به سامانی های درون گروهی نیز بودند ولی به همه حال توانستند که تعداد قابل توجهی از آرا را کسب نمایند و این امر به خوبی نشان داد که از حمایت مردم - ولو در یک سطح محدود - بهره مند می باشند. این ها کسانی اند که تحلیلگران یاد شده، آنان را به نام جنگ سالار یاد می کنند وحتی آنان را به جرایم هولناک جنگی متهم می نمایند.

موضوع مهم دیگر، تقسیم آرا بر اساس قوم و مذهب است. گرچه تقسیم جامعهٔ افغانی به اقوام و به ویژه چهار قوم بزرگ و طرح و برجسته ساختن این تقسیم، با مصلحت های امروز جامعهٔ ما سازگار نیست و همه باید بر وحدت تأکید نمایند ولی این تقسیم یکی از واقعیت های بسیار روشن وآشکار کشور ماست که نتایج انتخابات ریاست جمهوری آن را آشکار تر ساخته است.

گرچه ارای آقایان کرزی و قانونی را می توان تا حدودی از این قاعده بیرون و در سطح ملی ارزیابی نمود ولی به یقین که آرای حاصلهٔ آقایان محقق و دوستم دارای خصلت مذهبی و قومی بوده است.

همه رهبران محترم تنظیم های جهادی حمایت شان را از نامزدی محترم کرزی اعلام نموده بودند وبدون شک همین تأیید وحمایت نقشی بزرگ در برنده شدن موصوف داشته است

و این یکی از واقعیت های ناگوار جامعهٔ ماست که جداً نیازمند اصلاح و دگرگونی می باشد.

گرچه از لحاظ اصول دموکراسی وانتخابات، رأی دهندگان از حق مشروع وقانونی خویش استفاده کرده اند که باید به ان احترام گذاشت.

اهمیت اصلاح نگرش ها و گرایش های قومی و مذهبی در امروز وفردای کشور ما را دلایل قوی زیر، برجسته می سازد:

۱- برخی ها بر این باورند که افراد مربوط به قوم و یا مذهب آنان - صرف نظر از خوبی و بدی و یا شایستگی واهلیت - به همه حال بهتر از دیگرانند وبدین وسیله است که قومٔ و یا مذهب شان مطرح می گردد و از تبعیض ومحرومیت به در می شود و دارای جایگاهی شایسته در کشور می گردد.

۲- تعلقات، وابستگی ها و گرایش های قومی ومذهبی نباید به وحدت ملی کشور آسیب برساند. و از همه مهم تر این که تقوا، توان، استعداد و شایستگی افراد مد نظر قرار گیرد نه قوم و مذهب آنان!

خطر بزرگ تمایلات افراطی قومی ومذهبی، تبدیل شدن آن به خصومت وکینه با دیگران است که پی آمدهای فاجعه باری را به دنبال خواهد داشت.

گفتنی است که یکی از دست آوردهای بزرگ و پرافتخار سال های اول جهاد، کمرنگ شدن علایق قومی بوده است که حتی در دفتر ها وسنگرهای مجاهدان نه بسیار مشکل قابل درک وتشخیص بود.

نگارنده این سطور تا سال ها نمی دانست که مرحوم مولوی میر حمزه پشتون است، محترم کریمی(وزیر عدلیه) ازبیک و یا محترم انجینیر احمدشاه درقوم احمدزی است ویا محترم عبدالکریم خدام (سفیر در عشق اباد) ترکمن است و ...

به هر صورت، انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و نتایج آن نیز درحال اعلام شدن است و اینک همه چشم به راه برگزاری انتخابات پارلمانی هستیم و امدواریم که در آن انتخابات:

۱- چهره های خوشنام، خدمت گزار، صالح و مجاهد با اکثریت زیاد به پارلمان راه یابند.

۲- اکثریت قریب به اتفاق مردم فقط صلاحیت وشایستگی افراد را در نظر بگیرند نه ملاحظات قومی و مذهبی را در یک کلام به شایسته سالاری رأی بدهند و نه به قوم گرایی.

نتایج بررسی تخلفات...

درنظر نداردبه تشکیل یک دولت ائتلافی مبادرت ورزد.

وی افزود: حامد کرزی امیدوار است شخصیت های سیاسی عمده به آنچه که او دولت مشارکت ملی خوانده شده است بپیوندند.

بر اساس یک گزارش دیگر هیأت سه نفرهٔ کار شناسان سازمان ملل متحد د رنشستی با نمایندگان احزاب، ناظران داخلی وخارجی ونمایندگان شماری از کاندیداهای ریاست جمهوری نتایج اولین بررسی خود را اعلام کرد.

این هیأت که وظیفهٔ رسیدگی به شکایات نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری افغانستان را به عهده دارد، اعلام کرده است که باید بیشتر صندوق های رای دهی که به دلیل شکایات نامزدها در قرنطین قرار گرفته بود، برای روند شمارش آرا آماده شود.

بر اساس این تحقیقات فقط کمتر از ۱۵ صندوق باید برای بر رسی های بیشتر همچنان در قرنطین باقی بماند.

مانویل دسیلوا، سخنگوی دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل (یوناما) گفت که این نشست روز دوشنبه انجام شده وبر اساس آن به دفتر مشترک تنظیم انتخابات توصیه شده است تا خود تحقیقات بیشتر را در بارهٔ صندوق های قرنطین شده به انجام برساند.

قرار شده است تا نتیجهٔ نهایی بر رسی های انجام شده توسط هیأت کارشناسان سازمان ملل متحد بعد از آخرین دیدارها با نمایندگان احزاب ونامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، ناظران خارجی و داخلی وسازمان های بین المللی اعلام شود.

ملت ها وقتی می توانند به خود ببالند که . . .

پیغمبرصلی الله علیه وسلم بعد از بعثت شان روزی فرمودند که "قسم به خدا، بعد از پیغمبری ام اگر چنین تشکیل وتنظیمی به میان بیاید بازهم عضویت آن را خواهم داشت"

من هم برای دوستان گفتم که عضویت شما را خواهم داشت و این عضویت را افتخار برای خود می دانم.

ما باید اهمیت قشر روشنفکر را به عنوان حلال مشکلات یک جامعه درک کنیم. بدبختی انسان از روزی آغاز می شود که اهمیت دانش را درحیات خود درک نکند. هر جامعه یی که دانش و دانشمند را به نظر حقارت ببیند آن جامعه حقیر، فقیر و جاهل خواهد ماند. جوامع وقتی می توانند به خود ببالند وافتخار کنند که مقام دانش وعلم را در زندگی خود درک کنند.

شکی نیست که اولین دغدغهٔ بشریت، مسألهٔ شناخت انسان در حیات و زندگی اش بوده است و اولین فکری که در ذهن انسان خطور کرد این بود که او کیست، از کجا آمد و به کجا می رود؟

در پاسخ به همین سؤالات بود که علوم اجتماعی، اقتصادی، فلسفی و سیاسی نشأت کرد. انسان وقتی خود و جایگاهش را در زندگی یافت که به هدف زندگی و آفرینش پی برد. وهم چنان رابطهٔ انسان با انسان و رابطهٔ انسان با کائنات ومبدأ هستی را دانست و به طرف روشنایی راه پیدا کرد وبه سوی خوشبختی گام برداشت. اما وقتی که انسان نتواند رسالت، مقام و منزلت خود را در زمین دریابد، از اینجاست که بدبختی ها آغاز می شود وقتی ما از حقوق بشر و حقوق زن صحبت می کنیم به این معتقد می شویم که عامل همهٔ این بدبختی ها را جهل و نادانی تشکیل می دهد و می دانیم که همچو افراد تا هنوز به صورت درست مقام خود و هم نوع خود را درک نکرده اند.

چرا در جوامع خصوصاً جامعه های اسلامی مرد بر زن ظلم نماید و چرا مرد بخواهد که زن همیشه محروم باشد، این فرهنگ را نباید مربوط به دین دانست که مرد مقدس است و زن شریر و بدبخت. بالای زن اگر ظلم می شود منبع آن بدون شک دین نیست بلکه این مشکلات محلی، جهل و بی دانشی است که انسان جایگاهش را نمی داند.

ما باید به یکی از ارزش های والا که علم است متوجه باشیم، در روایات دینی آمده است که "موت العالِم موت العالَم".

اگر ده میلیون جاهل از بین برود هیچ وقت گفته نمی شود که مرگش برابر مرگ میلیون ها انسان است اما گفته شده است که مرگ یک دانشمند، مرگ تمام بشریت است. این نشان می دهد که تا چه حد دین ، به علم ارزش قائل است. پیغمبرصلی الله علیه وسلم می فرماید: "دین و دانش خود به خود از میان جامعه از بین نمی رود بلکه وقتی از بین می رود که علما از بین بروند و با از بین رفتن علما، مردم پیشوایان جاهل را بر می گزینند و این پیشوایان جاهل کسانی اند که بدون علم فتوا می دهند، رهبری جاهلانه می کنند و جامعه را به سوی جهل و تاریکی سوق می دهند."

دانش مربوط به همه کتله های انسانی است نه مال کدام سیاست مدار و یا حزب سیاسی. دانشمند از حوزهٔ حزب سیاسی فراتر است. آنها موجوداتی فرامرزی هستند که به همه جوامع انسانیت تعلق دارند. بد ترین ذخیره اندوزی، ذخیره نمودن دانش است. پیغمبرصلی الله علیه وسلم می فرماید که "عالم حق ندارد علم خود را در یک محدودهٔ مخصوص قرار دهد." در جایی دیگر می فرماید: "عالمی که علم خود را از دیگران پنهان می نماید و آن را به دیگران نمی رساند در روز قیامت با لگام آتشین جزا داده می شود."

در تاریخ مطالعه می کنیم، کشمکش ها و برخوردهای بزرگ همیشه میان سیاستمداران بنا بر اندیشه های سیاسی به میان امده که باعث بدبختی ها شده است اما وقتی دانشمندان حقیقی مورد مطالعه قرار می گیرند دیده می شود که آنها به اساس فکر، دانش، علم ومعرفت خویش فرقه ها را تشکیل کرده اند.

دانشمندان همیشه محور همبستگی درمیان ملت ها بوده اند. در تاریخ اسلامی، وقتی در مراحلی که از نگاه سیاسی پیچیدگی های زیادی به میان آمده اما زمانی که مساله مربوط به دانشمندان شده همه به آن متفق شده اند.

وقتی که مأمون خلیفهٔ عباسی، بیت الحکمت را در بغداد می سازد، موسی بن میمون یهودی عضو بیت الحکمت وحتی در کابینهٔ دارالخلافت وزارت صحت را به دوش می گیرد، هم چنان ابن بختی شوم مسیحی است که از شخصیت های برجستهٔ بیت الحکمت بود.

در اینجا دیده می شود که آشتی فرهنگ ها بر اساس دانشمندان به میان آمده است.

امروز یقیناً دنیا بار دیگر در یک کشمکش عجیبی قرار دارد و علت اساسی اکثر این کمکش ها را چه به سطح ممالک قدرتمند وبزرگ وچه به سطح کشورهای عقب مانده و احزاب افراطی وتفریطی تعصبات منافع خاص کشورها وگروه ها تشکیل می دهد، اما وقتی که پای علم به میان آید یقیناً که علم بی طرف است وعضویت سیاسی هیچ گروه را نمی پذیرد.

جمع شدن دانشمندان ما روی یک محور، گام ارزشمندی است و ما به تجمع وهمبستگی آنها سخت نیازمندیم. اینها شاید به حکومت احتیاج نداشته باشند اما حکومت هاست که به دانشمندان نیازمند است.

مشکل اساسی ما این است که دانشمندان هموطن خود را دست کم می گیریم وآنها را سرکوب می نماییم. من یقین دارم، متخصصانی که در مؤسسات ملل متحد گرد هم آمده اند، اکثر آنها نامتخصص هستند که با معاش های گزاف استخدام می شوند. در حالی که ما هزارها دانشمند داریم که اکثریت شان در محرومیت به سر می برند.

متخصصان خارجی به افغانستان می آیند غالباً جز زبان خارجی زبانی دیگر را نمی دانند و تخصص دیگری ندارند حال آن که برخی متخصصان ما با چندین زبان آشنایی دارند با آنهم محتاج و بی چاره هستند. باید بعد از این بکوشیم تا به متخصصان خود اتکا کنیم نه به بیگانگان؛ زیرا فرد بیگانه در مقابل ملت ما عاطفهٔ یک هموطن را ندارد ولی دانشمند ما با وجودی که در این کشور وجود فزیکی دارد احساس وطنی هم دارد. تأسف بر این است که معاش یک خارجی تا معاش یک افغانی که چندین تخصص دارد از زمین تا آسمان فرق دارد. بیایید بعد از این به افغان های خودمان توجه واعتماد نماییم.

امروز در بین مجاهدان و کسانی که از خارج وارد می شوند کشمکش عجیبی وجود دارد.

ما کسانی را که از خارج می آیند هیچ گاه بیگانه فکر نمی کنیم همیشه به آنها احترام قایل بوده ایم، آنها بودند که به برادران شان مفکوره وهدایت دادند تا از وطن شان دفاع کنند. اگر دانشمند در سنگر نبود اما مفکوره واحساس او رهگشای برادر مجاهد او بوده است. بعد از این اجازه ندهیم که میان مجاهد و متخصص غیر مجاهد اختلاف وجود داشته باشد. کسانی که به خارج رفته اند گناه نکرده اند که متخصص وکار فهم شدند. آنها می توانند به درد این ملت دوا باشند. دانشمندان ما باید به این نکته متوجه شوند که مسؤولیت بیشتر متوجه آنهاست و آنان باید این مسؤولیت را ادا کنند.

موضوع دیگری را که می خواهم به آن اشاره کنم موضوع حقوق زن است. اگر مشکلی در مورد زنان وجود دارد نباید آن را مربوط به مذهب دانست و محرومیت زن را در جامعه مربوط به دین پنداشت.

در کشور ما هر دوجنس مرد و زن محروم بوده اند اما مردهای عقده مندی که زورشان به ستمگران نمی رسد بالای زن های خویش ظلم می کنند. پیغبرصلی الله علیه وسلم در آخرین لحظات زندگی اش فرمود: "أوصیکم بالنساء". او در واپسین لحظهٔ زندگی اش بر حرمت زن اصرار داشت نه بر برچیز دیگر.

و در حدیث دیگری دربارهٔ حضرت عایشه رضی الله تعالی عنها برای مردم می فرماید: "نصف دین تان را از ام المؤمنین بیاموزید."

اگر حقوق اسلامی زنان برای شان داده شود، دیده می شود که هیچ دین و قانونی به این میزان حقی برای زن قایل نشده است.

باید یاد آور شد که نجات کشور ما در این نیست که چه مقدار توجه جهانی متوجه ماست هر قدر خارجی ها در کشورما توجه کنند وما مجمع پلان گذار ومتخصص افغانی نداشته باشیم ویک استراتژی برای حل قضایای سیاسی، اقتصادی ومسایل امنیتی ومشکلات اجتماعی ما وجود نداشته باشد یقینا که تمام این سرمایه ها باز هم باعث تشنج وبدبختی خواهد شد. دولت های خارجی یقیناً با ما دوستی دارند اما آنها دوست منافع ومصالح خود هستند . همین دوستان خارجی تا روزی که اتحاد شوروی در اینجا بود و مارکسیزم بین المللی امنیت آنها را تهدید نموده بود، هرچه به دسترس داشتند به جبههٔ جهاد و مجاهدین می دادند به محض شکست اتحاد شوروی جنگ سرد پایان یافت اینها مثل شبنمی که آفتاب بالای آن طلوع کند نا پدید شدند. وقتی فریاد کردیم که طالب ها خطر بزرگ ومحور تروریسم هستند اما اینها به صورت مستقیم وغیر مستقیم طالب ها را حمایت می کردند ما می گفتیم که امنیت دنیا را طالب به خطر مواجه می سازد اما به اصطلاح "به آذان ملای فقیر کسی به مسجد نمی آید" به فریاد جبههٔ مقاومت کسی هیچ گوش نمی داد تا این که حادثهٔ ۱۱ ستمبر به وقوع پیوست. فهمیدند که طالبان خطر هستند، حضور خارجی ها به این معنی نیست، که آنها چشم های سیاه مارا خوش دارند وبه خاطر ما وشما آمده اند بلکه آنها منافع امنیتی وسیاسی خود شان را مد نظر دارند . شانس ما در این است که منافع ما با منافع آنها در بعضی نقاط پیوند خورده است که باید از این زمینه استفاده کنیم واین فرصت ها یی است که دیگر تکرار نخواهد شد لذا این نازکی را دانشمندان باید بدانند ودرک کنند.

توصیهٔ من به دانشمندان این است که اگر آقای کرزی موفق شود یا کاندیدای محترم دیگری این ابتکار را که شروع کرده اند وسعت دهند. این مجمع مربوط کدام سازمان نخواهد بود

ومن به این عقیده هستم که دانشمند پایش را از مرز احزاب فراتر می گذارد او در محور و در محدودهٔ احزاب نمی گنجد، دانشمندان ما اگر به احزابی هم خوشبین باشند اما آنها به زنجیر احزاب پایبند باقی نمی مانند چرا که دانش شان به آنان این اجازه را نمی دهد.

توصیهٔ دیگر من این است که دانشمندان همه با هم یکجا شده ویک جبههٔ آبرومند را بسازند اگر دیروز مجاهدین از حریم دین واستقلال دفاع می کردند امروز بار دیگر دانشمندان ما از حریم دین واستقلال و عزت افغانستان باید دفاع کنند و مبارزه علیه فقر ومحرومیت ها را با سلاح علم آغاز کنند وحدت ملی افغانستان را می توانند دانشمندان تأمین کنند.

توصیهٔ من به تمام دوستان واحزاب سیاسی این است قسمی که در برنامه های سیاسی نقاط مشترک سیاسی خود را جستجو می کنند این هم نقطهٔ مشترکی است که هیچ فاصله یی میان احزاب وجود ندارد. یک نقطه که همه احزاب را مشترک می سازد مسألهٔ علم ودانش است. علم هویت سیاسی ندارد وهیچ کسی نباید آن را سیاسی بسازد و اگر کسی بخواهد که علم را هویت سیاسی بدهد در حقیقت آن را از بین می برد بنابر آن ما سخت محتاج هستیم تا به برای مردم خود بسیاری از مسائل را بفهمانیم.

دین به اندازه یی که از منسوبان نافهم دینی ضرر دیده از دشمنان خود ندیده است. نمونهٔ آن، طالب ها بودند که خواهران را شلاق می زدند و به دست و بازوی آنها دست می بردند اما آواز آنان را حرام می دانستند.

بناءً درک می شود که اینها چه ضرری که به دین نرساندند مردم نباید دین را به تفسیر جاهلان بشناسد. دین را از واقعیت های دینی خود باید بشناسیم.

در اخیر می گویم که من هم به عنوان یکی از اعضای این مجمع از سایر دوستان بزرگواری که مربوط احزاب سیاسی اند خواهش می کنم که کوشش کنند با سایر گروه ها از نقطهٔ تجمع فرهنگی ووحدت سیاسی کار خود را آغاز کنند ویک بار دیگر از همهٔ شما ابراز سپاس می کنم.



جمع شدن دانشمندان ما روی یک محور، گام ارزشمندی است و ما به تجمع وهمبستگی آنها سخت نیازمندیم. اینها شاید به حکومت احتیاج نداشته باشند اما حکومت هاست که به دانشمندان نیازمند است

***

دانش مربوط به همه کتله های انسانی است نه مال کدام سیاست مدار و یا حزب سیاسی

مشکل اساسی ما این است که دانشمندان هموطن خود را دست کم می گیریم وآنها را سرکوب می نماییم. من یقین دارم، متخصصانی که در مؤسسات ملل متحد گرد هم آمده اند، اکثر آنها نامتخصص هستند که با معاش های گزاف استخدام می شوند. در حالی که ما هزارها دانشمند داریم که اکثریت شان در محرومیت به سر می برند

"ستاره و سیاهی" درنگی ستودنی!

محمد اسحق فایز

درچند سال اخیر که باید زمان و زمانیان، از بابت جور آمده برما به سختی بگریند، با آن که اطلال ویرانی همچنان برنهاد های فرهنگی کشور ما جاری وتاری بود، خوشبختی یی نیز منا را میسر بود و آن این که شاعران و سخنوران ما خون، اشک، درد و ماتم نسل های ما را در شعر های شان جاودانه می سازند و خامه هایی را بی حرکت نمی مانند تا آیندگان از مظالم وفجایع رفته برما آگاهی یابند.

آنها از مذابه وجدان مرکب کردند وبا خامه های شان نوشتند و آفریدند وبدین گونه ادای دین ورسالت انسانی کردند.

سالهای درازی است که ستاره های آسمان ادب وفرهنگ کشورما، درغربت وآوارگی هستند و این درد، آسمان بی تلألوی شب زدهٔ کشور ما را حزن آلود و غمزده داشته است.

ازاین مقدمه که بگذریم، دفتر "ستاره و سیاهی"، گزینه یی دیگر از شعر های شجاع الدین خراسانی ازچاپ برآمد و به لطف پروردگار، به دست ماهم رسید.

هرچند این دفتر شعر آقای خراسانی، کوچک وفقط (۴۰) صفحه دارد ولی درسالهایی که مردم افغانستان شاهد اعطای چهار هزار وپنجصد میلیون دلار کمک جامعهٔ جهانی بوده اند تا ویرانی های کشور شان را آباد کنند، چاپ این مجموعهٔ کوچک نیز چشم داشتی بزرگ است(!!؟) که مرکز رسانه های همگانی برای افغانستان این قطره را باریدند و بستر های خشکیدهٔ تن وروان های ما را نم زدند، درحالی که تا گزیرم این نکته را نیز بگویم که براین مرکز نیز جز قطره از آن دلار های باد آورده نباریده است.

بگذرم، خدا مسؤولان مدیوتیک را خیر بدهد و سلامت داشته باشد که ولو به اندازهٔ یک دفتر کوچک نیز این بار گزینهٔ شعری یکی از شاعران کشور ما را به چاپ رسانیدند که آرزوی موفقیت های بیشتر شان را می کنم.

شجاع الدین خراسانی، چهره یی شناخته شده درکشور ماست. هرچند این دومین مجموعهٔ شعری او است که اقبال چاپ می یابد، ولی نوشته ها ومقالات او را علاقه مندان درجراید ومجلات کشور ماخوانده اند.

قصد من دراین مقال، نقد و بررسی دفترچهٔ حاضر نیست وفقط می کوشم تا حد توان این مجموعهٔ کوچک را معرفی کنم وبرای این منظور ناگزیر پاره یی از تعابیر وبرداشت های خراسانی را در اینجا باز گویم.

خراسانی به ملاحظهٔ دفترچهٔ حاضر همان شاعری است که از اوضاع واحوال کشور ومصیبت آمده بر مردمش متأثر است و از همین رو بر برج عاج ننشسته تا نظاره گر عالم آدمیان باشد و ببیند دود ناشی از آتش افروخته شده درمیان شهر و روستای این ملت چگونه بر آسمان ها می پیچد و آسمان را تیره و تاریک می سازد.

خراسانی درمتن مصیبت آمده بر مردمش زیسته است وچه بسا که خود نیز مصیبت دیده بوده است که از درون این مصیبت، به بازگویی وتصویر گری می پردازد و خواننده با آغاز سیر در دفترچهٔ "ستاره و سیاهی" در می یابد که با چه محیطی و چه محیط وآدم هایی سروکار دارد.

وقتی که جنگ و شبیخون زدن برما ادامه داشت، ناگزیر شاعر نمی توانست درچکامه وغزلش از گلگشت وتغزل های عاشقانه دم بزند و اینجاست که خراسانی نیز زمین زیر پایش را مانند برزخ ودوزخ، هردو می بیند:

گذر گه نیست آخر شهر کین است
اگر برزخ وگر دوزخ همین است
عنان گسترشبیخون وشبا ویز
درون منزل ومسجد کمین است
بهار آبستن خاکستر ودود
بهار آرزو ها این چنین است

جهان بی رستم و.../ مجموعه ستاره و سیاهی

زبان کار گرفته شده دراین مجموعه زبانی زیبا، آهنگین، شسته و ساده است واین می تواند از مزایای دیگر شعر خراسانی در دفتر حاضر باشد:

هرجای که ضرورتی شاعرانه پیش آمده است، خراسانی از تعبیر وتصویر های زیبایی هم بهره جسته است که در بسی موارد تازه و جدید اند. درهمان غزلواره "جهان بی رستم و..." می خوانیم :

ندیدم از گل سرخ وپرستو
پرستوی نگاهم زخمگین است

"پرستوی نگاه" تعبیری استوار و زیبا است ووقتی این پرستو "زخمگین" می شود ظرافت معنی را چند برابر می سازد:

مگر آتش شگفته جای باران
که غم آیینه دار فروردین است ؟

دراین بیت نیز شگفتن آتش تعبیری زیبا است. لابد شما هنگام ریزش دانه های باران متوجه شده اید که آب وحتی روی سطح زمین باران دیده، از ریزش دانه های باران چگونه شگوفه می زند.

خراسانی غم وطنش را تصویر می کند، غمی که سرزمینش را که مهد روشنی و نور است به مزار تیره بختان زمین تبدیل کرده است :

تمام جاده ها آ ونگ یاران
وطن درچشم من حمام فین است
واین مهد تبار نگهت ونور
مزار تیره بختان زمین است

همان / صفحه۱

خراسانی در شبان تیرهٔ سرزمینش که منتظر است تا صدای شیههٔ اسپ رستمی را بشنود، می بیند که به جای برآورده شدن چنین باور وآرزو، دشمنان ناپاک وقلدری دارد که ضحاک گونه از همه جای سر به در می آورند و آشیانهٔ آبرو را زیر و زبر می کنند:

بلا های شگفت سخت ناپاک
همه قلدر سراسر تخم ضحاک
محیط ابرو زیر و زبرشد
عقاب آرزو ها مشت پرشد

صدای شیهه.../ ستاره و سیاهی

چه بد بختی بزرگی، وقتی گلوی انسان و سینهٔ او پراز فریاد باشد و او نتواند فریاد کند و چه بدبختی آنگاه که این فریاد ها به مار هایی مبدل گردند که می توانند تن ما را، وجدان ما را و روان ما را نیش بزنند و زهر کشندهٔ خویش را در آن ها بریزند:

صداها درگلوها مار گر دید
نفس زولانهٔ اظهار گردید

همان / صفحه ۲

تبدیل شدن صدا درگلو به مار های خطر ناک و تعبیر تبدیل شدن نفس به زنجیر ها وزولانه ها تا نگذارند که فریاد از حصار وزندان تن بیرون شود، تعبیر وتصویر بلندی دارد.

حیرت آیینه، تعبیر جدید وتازه یی نیست که خراسانی آن را به کار گرفته است ولی وقتی این حیرت آیینه خونین می شود، دیگر تعبیری جدید را بار می آورد که می توان آن را در مثنوی "صدای شیهه..." خواند :

که داد از مامن دیرینه خون است
نگر درحیرت آئینه خون است

به این تعبیر دیگر توجه کنید :

غصه بامن از رگ جان آشناست
سرخی فوارهٔ خون صداست

از میان عاشقان / ستاره و سیاهی

تصویر سازی غصه به گونه یی که صدا مانند فوارهٔ خون به در آید و غصهٔ آن سرخی باشد و انصافاً بسیار زیبا است.

خراسانی شاعری است که هستی و غصه هایش به اخگر های سوزان وآتشین مبدل گردیده است تا آنجا که:

هستی من، غصهٔ اخگر شده است
قصه های خاک وخاکستر شده است

همان / صفحه ۴

"ستاره وسیاهی" غمنامهٔ آتش سوزی در تاکستان های شمالی است. مثنوی، کوتاه ولی دلنشین زبان مثنوی ساده، پرغم ولی پربار:

زمین خون، اسمان آتش گرفته است
زمان را دیو ماتم کش گرفته است
بهاران می رسد اما سیه پوش
تمام ریشه های باغ بر دوش

ستاره و سیاهی/ ص ۶

خواندن شعر های دیگر این دفتر هرکدام زیبایی هایی را آشکارا می کند که یاد و گزارش هریک دراین مختصر نمی گنجد. به تمنای سلامت وطول عمر شاعر واین که روزگاری از او گزینه هایی دیگر اذین چاپ یابند، با دو شعر خوب از این مجموعه به گونهٔ هدیه به خوانندگان، این مختصر را نقطهٔ پایان می گذارم.

ستاره و سیاهی

خموش و سرد و تاری، خانه گوراست
زمین سخت اسمان بسیار دور است
زمین خون اسمان آتش گرفته است
زمان رادیو ماتم کش، گرفته است
بهاران میرسد اما سیه پوش
تمام ریشه های باغ بردوش

درخت زخمیی تنهای باغم
عزا دار بهارم داغ داغم
چه آیین است راه ناله گم شد
زقاموس بهاران لاله گم شد
عروس صبح از مارو گرفته است
ستاره با سیاهی خو گرفته است
سپاه نور را زولانه کردند
سراسر زلف شب را شانه کردند
به نامردی از اینجا باج بردند
شکوه سروری وتاج بردند
به تارو پود ما تأثیر کردند
سواران در سفرتأخیر کردند
چه امیدی ازین دارد زمانه
زانصاف تفنگ وتازیانه
تمام این وطن مبهوت ومنگ است
مگر قلب جهان ازسنگ سنگ است؟

دودیده تا...

دودیده تا ز رویت برگرفتم
دو شریان ازرگ آذر گرفتم
به هر که گفتم این درد مقدس
دوایی گفت اما در گرفتم
ازاینجا عشق را تکبیر گفتم
وزاینجا سوختن را پرگرفتم
بهاران از گریبانت چو بشگفت
سبد لبریزه کردم فرگرفتم
تورفتی فصل گریه آمد و من
دوچشم ازموج نیلوفر گرفتم
تورفتی ونديدی با چه لبخند
چه نیش تلخ را جگر گرفتم
تورفتی از قفا چون نقش پایت
خطوط جاده را رهبرگرفتم
سپیدار خیالم گل برآورد
زبسکه خاطرت درسر گرفتم
برفتم هر کجا دریا به دریا
زقلزم دیده را مجمر گرفتم
کجا بودی تمنای تمنی
که من با موج دریا درگرفتم
لهیب برکه از هجر تو میگفت
ومن راه گل آذر گرفتم
نبودی در شکنج زلف خورشید
سراغت از گلاب تو گرفتم

تولنه او روڼ اندي

ش - زیارمل

وائي يوه ورځ يو ملنګ له يو لري ځاي نه يوکلي ته راغي چي ګوري ديوي وني تر سيوري لاندي ديو مړي کټ اچول شوي دي ملنګ پوښتنه وکړه: دا څوک دي او چا وژلي چي خلک ورته ژاړي؟ يو چا ورته وويل دا يو بي ګناه او مظلوم انسان و خو پلاني ظالم و واژه، کبرني ورسره وکړ، تيري ئي وکړ خداي دي جزا ورکړي.

بل کال بيا ملنګ همدغه کلي ته راغي چي ګوري په يوه بله ديره کي د مړي کټ ايښي او خلک ورته ژاړي، ملنګ پوښتنه وکړه. دا سړ کال څوک مړ دي او داولي مړشو، خلکو ورته وويل: ملنګ بابا دا هماغه دکندېري قاتل شيريني دي چي د خپل مقتول زوي وواژه او دپلار بدل ئي تري واخيست.

ملنګ يوه شيبه په چرت کي لاړ او وروسته ئي خپل کچکول شاړي ته واچاوه او خپله کونټي ئي په لاس کي ونيوه او له خان سره ئي وويل بره ملنګه کوم خلک چي په قاتل او مقتول پسي يو شانته ژاړي له هغي کلي نه تښه

هوکي! داد وروسته پاتي تولنو وروسته پاتي فرهنګ دي چي د خپلو تولنيزو مجبوريتونو له مخي تور ته تور او سپين له سپين نشي ويلاي، هغوي د خپل وروسته پاتي شعور او ناپوهي له مخي د مظلوم پر ځاي د ظالم تر څنګ دريږي. نو ددغه راز يوي تولني تمثيل ارواښاد الفت په خپل يو خوږ شعر کي داسي بيان کړي دي.

ورانٍ کار به ودان ګڼي دلته که اوسيږي ته
حق ويل به زيان ګڼي دلته که اوسيږي ته
ورځي ته به شپه وائي چا که ورته شپه ويلي
تور به سپين شيان ګڼي دلته که اوسيږي ته
هيڅوک ملامت نه دي وران که ټول کارونه شي
خپل قسمت به وران ګڼي دلته که اوسيږي ته
تيټ خلک به ځک ګڼي ناست که په ځک ځاي کي وي
ځمکه به اسمان ګڼي دلته که اوسيږي ته
هر چا چي هر څه کول ته به صفتونه کړي
هر يو به لقمان ګڼي دلته که اوسيږي ته
هر چا چي هر څه کول نه به صفتونه کړي
هر يو به لقمان ګڼي دلته که اوسيږي ته

موږ پوهيږو چي په وروسته پاتي تولنه کي د هغي تولني روښانفکران چي مسلط تولنيز حالات ګوري زيات خوريږي، له هغو سره مخالفت څرګندوي، خلک د واقعيتونو منلو ته رابولي، د چا د خوشحالي او خپګان پروا نه کوي، بي پري او آزاد قضاوت کوي او هيڅکله هم دي ته نه حاضريږي چي د چا د خوشحالي په خاطر تور ته سپين او سپين ته تور ووائي لکه بيا هم چي زموږ فلسفي او ژورخياله شاعر الفت صاحب ويلي دي:

که مي سر شي د هاتي تر پښو لاندي
که له پاسه مي راغورځوي دلاندي
له د زور او زورورو له هيبته
دغه ځمکه او اسمان شي لاندي باندي
تور ته سپين نه شم ويلي سپين ته تور زه

دا اميد دي څوک له مانه هيڅ نه کاندي هيله من يوو چي زموږ روښانفکران او د تولني په درد او غم کي شريک کسان په خپل خان کي اخلاقي جرات پيدا کړي، د ظلم او ناروا په وړاندي په ميړانه او سربښندنه مبارزه وکړي او دمظلوم دفاع وکړي دادي زموږ اسلامي او افغاني رسالت او دادي زموږ وجداني او اخلاقي ماموريت او زموږ د روښانفکري مکلفيت

حضور مردم در انتخابات بسیاری از پیش بینی ها و قضاوت ها را زیر پرسش برد

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

رسم بر آن رفته است که پیش بینی ها و داوری ها و تحلیل ها بی طرفانه انجام پذیرند. تأکید و ترکیز بر اصل یاد شده نه تنها بر بنیاد خرد و دانش استوار است که آموزه های دینی هم در بینش و فقه قضاوت ها و تحلیل ها بر آن مهر تأیید زده است.

بر بنیاد همین اندیشه و منطق است که داوری ها و تحلیل ها در همه قضایا به ویژه در قضایای بسته به زندگی ملت ها و توده ها، آنگاه در جایگاه شایان و مدار اعتبار قرار می گیرند که به دور از هرگونه گرایش و تولا وتبری نسبت به محل داوری وتحلیل و یا به زبان حقوقی مدعی و مدعی علیه باشند.

باید داوران وتحلیل گران در بخش قضایای مربوط به نیکی وبدی جوامع انسانی در سطح ملت ها، توده ها و گرایش ها ونحله ها در داوری و تحلیل و گزارشی که آماده می سازند، از آگاهی کامل برخوردار باشند.

تأکید بر این اصل در بینش تهیهٔ تحلیل ها و داوری ها برای آن است تا آن ها بر بنیاد وهم و خیال و گرایشی ویژه عرضه نشوند، زیرا این گونه تحلیل ها گذشته از همه پهلوهای منفی آن ها، آسیب هایی را متوجه دست اندرکاران تهیهٔ آن ها نیز خواهد کرد.

با ذکر این پیش در آمد حالا بر می گردیم به اصل مطلب که هدف از عنوان کردن زیر سؤال رفتن و به چالش گرفته شدن پیش بینی ها، تحلیل ها و داوری های نهادهای بین المللی ونهادهای داخلی وابسته به آن ها در بارهٔ این انتخابات چه می باشد؟

جهان کنونی که تصویر دهکدهٔ کوچک و به هم پیوسته یی را به نمایش می گذارد، با نظم پیچیدهٔ حاکم بر آن که خود زادهٔ حرکت شتاب آلود حرکت جهانی شدن در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می باشد چنان نظمی را بر فضای زندگی ملت ها سلطه بخشیده است که همه ذهنیت های ملی و بین المللی طوعاً و کرهاً باید آن را بپذیرند.

برهمین بنیاد است که امروز هر تحلیل، فیصله و داوریی که از طرف همچو نهادها به خورد مردم داده می شود مورد پذیرش قرار می گیرد وکسی حق آن را ندارد که پرسشی را متوجه آن سازد و به سوی آن نگاه شک انگارانه یی هم نماید.

اما بر خلاف این دید کلی حاکم بر ذهنیت ها که خود برایند ذهنیت سازی نظم تک قطبی جهانی است، انتخابات ریاست جمهوری در کشور ما افغانستان، چالشی بود بس بزرگ وسؤال بر انگیز بر درستی این گونه تحلیل ها و داوری ها در سطح منطقه و جهان.

داوری و تحلیل هایی که با صرف هزینه هایی هنگفت به حساب این ملت از طریق فعال ساختن نهادهایی ویژه توسط ملل متحد برون داده شد که بر اساس آن ها، باید جهت جلوگیری از بروز بحران نا امنی هنگام رأی دهی مردم آمادگی لازم گرفته شود، وحتی مدتی قبل از انتخابات آقای بارنت روبین یکی از تفسیر گران قضایای افغانستان ضمن تحلیلی برگزاری انتخابات را امر ناشدنی وانمود کرد، و به مراجع تصمیم گیری در مورد افغانستان، در سطح جهانی، مشوره داد که باید انتخابات به تأخیر افتد.

با سنگین شدن کفهٔ راه اندازی انتخابات، بر بنیاد همان معادلهٔ جلوگیری از بحران و نا امنی - متحقق الوقوع از نظر تحلیل گران خارجی و وابستگان داخلی آنان - تصمیم سازان جهانی قضیهٔ افغانستان بنا به دعوت آقای کرزی، فیصله کردند که باید نیروهای تازه دمی هم وارد افغانستان شوند. تا نقش ملموس را در دفع خطرهای پیش بینی شده، بازی نمایند و حتی برخی از کشورهای ناظر برای حفظ جان

مقاومت، سربازان تأمین صلح و امنیت و ثبات وسپاهیان راه احقاق حقوق مردم در تعیین سرنوشت شان و رهایی آنان از خود کامگی ها در اشکال مختلف آن نیز هستند. آن کارشناسانی که تا دیروز همهٔ نقاط افغانستان را برای برگزاری انتخابات عادلانه ومنصفانه، مورد سؤال قرار داده وخطوط قرمزی را بر آن ها کشیده بودند اکنون برگزاری انتخابات عادلانه را زمزمه می کنند و حضور مردم را به دور از هرگونه رعب و هراس ادعایی شان - با وصف آن که هنوز هم در اکثر مناطق سلاح موجود است - به ستایش می گیرند و جوش و خروش مردم در رفتن به مراکز رأی دهی که خود بیانگر نفی هرگونه خوف و رعب است، آنان را حیرت زده کرده است.

پایان یافتن انتخابات برخلاف همهٔ پیش بینی های انجام یافته، باید رهچراغی باشد برای همهٔ آن نهادها وحلقه هایی که تا کنون به دور از واقعیت های عینی و جامعه شناسی واقعی افغانستان تحلیل ها وگزارش هایی برون داده اند. تا در روشنایی آن راه وروش وباورهای گذشتهٔ خویش را مورد باز نگری قرار دهند.

با تأسف باید یاد آوری کرد نهادهای بین المللی که در پیوند به قضایای افغانستان کار می کنند - و ما هم به نیک اندیشی و خیر باوری و افغان دوستی،اکثر آنان باور داریم - در به کار گیری منابع گزارشی خود دچار اشتباه گردیده اند با اشتباهی که نه تنها زیان آن متوجه گزارش های تهیه شده توسط آنان است که صفای نیت آنان را نیز در نزد جامعهٔ افغانی زیر سؤال می برد.

متأسفانه در این چند دههٔ اخیر، بودند حلقه ها و گروهک هایی که در نقش هیزم آوران این بحران هستی سوز افغانستان مذبوحانه تلاش کردند

حضور گستردهٔ مردم در مراکز وحوزه های رأی دهی، بر این همه تحلیل ها و پیش بینی های نهادهای خارجی برخاسته از گزارش های مغرضانه و کینه توزانهٔ حلقه های محروم از شرکت در افتخار جهاد رهایی بخش این ملت، چلیپا کشید

نیروهای خویش تنها به نظارت بر روند انتخابات بسنده نموده و از پذیرش ارسال نیرو برای انجام این رسالت، سر باز زدند.

اما با وجود همهٔ این تحلیل ها، داوری ها و ترس هراس های خارجی و داخلی - که به باور قاطبهٔ مردم، امری بود کاملاً واهی و بی اساس - حضور گستردهٔ مردم در مراکز وحوزه های رأی دهی، بر این همه تحلیل ها و پیش بینی های نهادهای خارجی برخاسته از گزارش های مغرضانه و کینه توزانهٔ حلقه های محروم از شرکت در افتخار جهاد رهایی بخش این ملت، چلیپا کشید، حلقه هایی که می خواستند مجاهدین و نیروهای جهادی را به عنوان جنگ افروزان امنیت سوز در انظار جهانیان به نمایش گذارند، نا آگاه از این که این جهادگران تجاوز ستیز دوران اشغال و

و اکنون که نظم جهانی تغییر نموده است آنان در چهره هایی جدید باز هم نمی گذارند، ریشه های بحران بخشکد و مردم افغانستان شاهد ثبات و آرامی را در آغوش گیرند.

نقطهٔ مهمی که در این نوشتار بیشتر روی آن ترکیز به عمل می آید، این است که نهادهای بین المللی که در چند سال اخیر افغانستان را در محراق توجه خود قرار داده اند بایسته برای آنان این است که گذشتهٔ تاریخی این کشور وشیب و فراز های آن در مراحل مختلف زندگی آن را دقیقاً مورد بازخوانی قرار دهند تا نشود دچار لغزش هایی گردند که دیگران دچار آن شده بودند و به جای این که بحران ها پایان یابد بحران هایی نو پا گیرد که خداوند وطن ما را از آن نجات دهاد.

واژه های سیاسی (۱)

میر آقا حقجو

جامعهٔ مدنی

مشارکت فعال مردم افغانستان در اولین انتخابات ریاست جمهوری، نقطه یی عطف در تاریخ معاصر کشور ما بود، این انتخابات با آن همه کاستی ها و نارسایی هایی که داشت، فصلی جدید در حیات سیاسی واجتماعی مردم ما کشود، و از تبدیل بازی قدرت از لشکر کشی های نظامی به مبارزات سیاسی نمایندگی کرد. ما این روند ابتدایی را به فال نیک می گیریم و برای نهادینه کردن مبارزات سیاسی ـ فرهنگی اجمالی از واژگان سیاسی را خدمت خوانندگان گرامی تقدیم می داریم.

اصطلاح جامعهٔ مدنی از افکار بشری است که قدامت تاریخی آن به عنوان یک اصطلاح مستقل در "ادبیات سیاسی" به تمدن روم باستان و آرای "سیسرون" در قالب اندیشه های حقوقی و اجتماعی و نوع رابطهٔ فرد و قدرت سیاسی بر می گردد.

در عصر جدید جامعهٔ مدنی بر ساختار فرهنگی دورهٔ اومانیسم ونیازهای بورژ وازی منطبق است که اساسات آن را افکار و نظریات اصحاب قرار داد اجتماعی(تامس هابز، جان لاک، منیتسکیو، ژان ژاک روسو) تشکیل می دهد.

در حقیقت جامعهٔ مدنی در عصر حاضر پدیده یی مربوط به جامعهٔ لیبرال و پدید آمدن لیبرالیسم در غرب است که مفهوم آن در بطن اقتصاد بازار نهفته است، اما امروزه تقریباً تمامی دولت ها وملت ها مفاد آن را مطابق به فرهنگ مسلط بر جامعهٔ شان پذیرفته اند.

مراد ما از جامعهٔ مدنی جامعه یی قانون مندو قانون گرا است که بر اساس تمدن استوار گردیده است، یعنی جامعه یی که در آن قانون حکومت می کند نه رأی و سلیقهٔ اشخاص و حکام و زمامداران.

منشأ قانون در این جامعهٔ مدنی نظر به فرهنگ هر جامعه می تواند الهی باشد و یا بر اساس قرارداد اجتماعی بین مردم بنا نهاده شود.

یکی از مشخصات اصلی این جامعه این است که در این جامعه آحاد مردم دارای اعتبار حقوقی یکسان می باشند و آرای آحاد مردم تأثیر گذار بر سرنوشت آنان و جامعهٔ شان است.

از این رو وظیفهٔ اصلی علما، روشنفکران وافراد آگاه جامعه ایجاب می نماید که برای آگاهی توده ها در ایجاد یک رستاخیز فرهنگی تلاش نمایند تا شرایطی را فراهم سازند که مردم بتوانند آگاهانه و با چشمان باز در تعیین سرنوشت خویش مشارکت داشته باشند، نه بر اثر تطمیع، تبلیغ و تهدید قدرت مندان ویاران زر و زور.

در این جامعه باور بر این است که هیچ چیز فراتر از خواست و رأی مردم نیست و اراده و خواسته های مردم جز از راه گزینش وانجام انتخابات آزاد و بدون دخالت قدرت حاکمه به دست نخواهد آمد، هیچ قوه و مرجعی حق ندارد رأی مردم را نقض کند، زیرا احترام به آرای مردم از ضروریات جامعهٔ مدنی به شمار می رود، فلهذا مهم ترین ابزار برای تحقق جامعهٔ مدنی این ها است:

۱- **تشکیل شوراها به ویژه پارلمان و یا قوهٔ مقننه:** ما در آینده یی نه چندان دورشاهد برگزاری انتخابات این شورا خواهیم بود، امید است که ملت ما با هوشیاری کامل برای انتخاب نمایندگان شایسته، متقی، متخصص و متعهد دقت لازم را به خرج دهند؛ زیرا بدون نمایندگان سالم، پارلمان سالم به وجود نخواهد آمد و بدون پارلمان سالم جامعهٔ مدنی مفهومی نخواهد داشت.

۲- **احزاب سیاسی:** یکی دیگر از ابزارهای جامعهٔ مدنی تشکیل احزاب وتشکلات سیاسی است.

۳- **آزادی بیان:** آن را باید درچهار چوب قانون اساسی سازمان داد.

۴- **تفکیک قوا:** یکی از اصول مهم در این جامعه اصل تفکیک قوا ست، که از شرایط اصلی جامعهٔ مدنی و حکومت مردمی به شمار می رود.

برای این که "انسان گرگ انسان" نشود، باید قدرت از درون خود، قدرت را دفع نماید. و برای پرهیز

ص ۶

دولت مردم سالار آینده وچالش تفکیک قوا

وحید مژده

انتخابات ریاست جمهوری را پشت سرنهادیم و اینک ملت چشم به راه آن است تا با اعلام نتیجۀ انتخابات، رئیس جمهور یا به عبارۀ دیگر رئیس قوۀ اجرائیۀ کشور به ملت معرفی گردد.

نظام دموکراتیک متشکل از سه قوۀ مستقل از هم و در عین حال مکمل یکدیگر است. قوۀ مجریه، قوۀ مقننه و قوۀ قضائیه. اکنون که انتخابات قوۀ مجریه به پایان رسید باید به سوی انتخابات پارلمانی یا قوۀ مقننه برویم.

در مادۀ یکصد وشصتم قانون اساسی آمده است:

"اولین رئیس جمهور منتخب سی روز بعد از اعلام انتخابات مطابق به احکام این قانون اساسی به کار آغاز می کند."

"کوشش همه جانبه صورت می گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور و شورای ملی باهم در یک وقت صورت بگیرد."

ولی طوری که دیده شد این "کوشش همه جانبه" صورت نگرفت و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی همزمان صورت نپذیرفت. لذا حکومتی که در نتیجۀ این انتخابات به وجود می آید لااقل برای یک دورۀ چند ماهه منهای پارلمان خواهد بود.

راه گریزی هم در قانون اساسی برای این وضع وجود دارد. بقیۀ مادۀ شصتم چنین می گوید:

"صلاحیت های شورای ملی مندرج در این قانون اساسی تا زمان تأسیس این شوری به حکومت تفویض می شود و ستره محکمۀ موقت به فرمان رئیس جمهور تشکیل می گردد."

شایعاتی به گوش می رسد که انتخابات پارلمانی در بهار سال آینده نیز برگزار نخواهد شد و احتمالا یک شورای مشورتی وظیفۀ قوۀ مقننه را به عهده خواهد گرفت که رئیس جمهور اعضای آن را انتخاب خواهد کرد. اگر این کار صورت پذیرد، به معنی قرار دادن قانون اساسی و نظام مردم سالار در برابر یک چالش کلان خواهد بود.

اگر این شایعات واقعاً درست باشد باید گفت که دیگر در نظام حاکم بر کشور ما، اصل بنیادی دموکراسی که همانا تفکیک و استقلال سه قوه از هم است، تحقق نخواهد یافت. قوۀ مقننه یا شورای گماشتۀ رئیس جمهور خواهد بود و همین شورا جای پارلمان منتخب ملت را خواهد گرفت. همین پارلمان به قضاتی که باز هم از جانب رئیس جمهور انتخاب می شوند رأی خواهد داد.

فرق نظام دموکراتیک و نظام دیکتاتوری در این است که در نظام های دیکتاتوری، سه قوه یا حد اقل دوقوه یکجا باهم اعمال می شود یعنی قوۀ مجریه قوه های مقننه یا قضائیه و یا هردو را در کنترل خویش دارد. آنچه در دوران دولت مؤقت ما شاهد آن بودیم، در غیاب قوۀ مقننه، تفوق قوۀ مجریه بر تنها قوۀ دیگر یعنی قوۀ قضائیه بود. هرچند ادعا می شد که قضا مستقل است، اما در عمل فیصله های قوۀ قضائیه در بعضی از موارد از طرف قوۀ مجریه نادیده گرفته شد. در بعضی از ولایات، محاکم تحت کنترل نیروهای محلی حاکم قرار داشت و قضاتی که از مرکز اعزام می شدند، از طرف نیروهای مسلح مسلط بر امور در محل مورد قبول قرار نمی گرفتند.

سوال این جاست که چه دلایلی برای تأخیر احتمالی انتخابات پارلمانی ارائه خواهد شد؟ از مدتها قبل رسانه های خبری دولتی از موجودیت تفنگ در دست های غیر مسؤول به عنوان یک چالش و خطر برای انتخاب آزاد مردم سخن می گفتند و مدعی بودند که با چنین جو و فضایی، اعمال نفوذ گروه های مسلح موجب خواهد شد تا مردم از دادن رأی به کسی که خود آرزو دارند بازداشته شوند اما در جریان انتخابات ریاست جمهوری ثابت شد که این نگرانی بی جا و بی مورد بوده و این خطر بیش از حد بزرگ جلوه داده شده بود.

از مدتها قبل رسانه های خبری دولتی از موجودیت تفنگ در دست های غیر مسؤول به عنوان یک چالش و خطر برای انتخاب آزاد مردم سخن می گفتند و مدعی بودند که با چنین جو و فضایی، اعمال نفوذ گروه های مسلح موجب خواهد شد تا مردم از دادن رأی به کسی که خود آرزو دارند بازداشته شوند اما در جریان انتخابات ریاست جمهوری ثابت شد که این نگرانی بی جا و بی مورد بود

هرچند برنامۀ خلع سلاح در بسیاری از ولایات کشور صد در صد عملی نگردیده است اما مردم بدون هراس از سایۀ اسلحه به پای صندوق های رأی رفتند و نشان دادند که زمانی که پای یک تصمیم ملی در میان باشد، از خطر هراسی ندارند. این تجربه نشان می دهد که در انتخابات پارلمانی نیز مشکلی از این ناحیه موجود نیست.

منطقی که در تفکیک سه قوه در نظام های دموکراتیک وجود دارد درأین است که بیشترین میزان مشارکت ملت در امر حکومت جلب گردد و از هر نوع خودکامگی زمامدار جلوگیری به عمل آید. این کار فقط با به میان آمدن یک پارلمان منتخب ممکن و متصور است.

تجربۀ دهۀ دموکراسی که با قانون اساسی سال ۱۳۴۳ در افغانستان به میان آمد، نشان داد که پارلمان های فرمایشی و انتصابی که در ظاهر با رأی مردم برسرکار می آمد، فقط به بی ثباتی سیاسی انجامید و حکومت ها به جای این که به وضع اسفبار کشور توجه کنند، همه انرژی خویش را صرف مبارزه با پارلمان می نمودند. حکومت ها یکی بعد دیگری می آمدند و از میان می رفتند.

شاه سعی در سلطه برپارلمان داشت و به همین دلیل مداخلۀ دولت در کار انتخابات روشن و آشکار بود. اما همین پارلمان های فرمایشی که در آن مهره ها به دقت انتخاب می شدند نیز نتوانست همیشه موافق رأی شاه عمل کند و برعکس کشور در ورطۀ بی ثباتی سیاسی فرو افتاد. مردم دموکراسی آن دور را قلابی یافتند و سرانجام این وضع به سقوط رژیم سلطنتی انجامید.

عده یی با پارلمان در شرایط فعلی به این دلیل نظر موافق ندارند که نگران یک سلسله "آزادی ها" یند. آنها باور دارند کسانی که به پارلمان راه می یابند با بی بند و باری های اخلاقی به مخالفت برخواهند خواست و این موضع گیری آنان نه برای آنان جالب است ونه برای جامعۀ جهانی، در نتیجه توجه جامعۀ جهانی به افغانستان را کاهش خواهد داد.

اگر ملت نمایندگان خود را از میان کسانی برمی گزینند که نگران رواج فحشا و بی بند وباری در کشورند، آیا باید پارلمان تا تغییر این مفکوره در میان ملت تعطیل باشد؟

اگر این گروه تا ده ها سال دیگر نیز به امید چنین تغییر در اندیشۀ ملت باشد، در انتظاری بی جا خواهد بود و دین و اخلاق همچنان به عنوان روح و روان این جامعه مقام خویش را در نزد این ملت حفظ خواهد کرد.

اگر این بار هم دولت از یک انتخابات شفاف و عادلانۀ پارلمانی جلوگیری نماید، مملکت به مشکلات بسیار بزرگتر مواجه خواهد شد. انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که اقوام مختلف این خطه خویشتن را بیش از پیش در محدودۀ تنگ باور های قومی محصور کرده اند و این خود نشانه یی از آسیب پذیری وحدت ملی در کشور ماست.

با چنین وضعی که در انتخابات ریاست جمهوری شاهد آن بودیم، ضرورت وجود یک پارلمان منتخب بیش از پیش برجسته می شود. موجودیت یک پارلمان منتخب، درکنار سایر مزیت ها، باب گفتگو و تفاهم میان اقوام مختلف را نیز باز نگه می دارد و برعکس پارلمانی که منبعث از رأی مردم نباشد، کشور را به سوی بی ثباتی سیاسی از نوعی که در دهۀ به اصطلاح دموکراسی شاهد آن بودیم، سوق خواهد داد.

موجودیت یک پارلمان منتخب، درکنار سایر مزیت ها، باب گفتگو و تفاهم میان اقوام مختلف را نیز باز نگه می دارد و برعکس پارلمانی که منبعث از رأی مردم نباشد، کشور را به سوی بی ثباتی سیاسی از نوعی که در دهۀ به اصطلاح دموکراسی شاهد آن بودیم، سوق خواهد داد

پر افغانستان کې دامریکا پوځي عملیاتو ...

په سر کې د لویو درستیزانو د کمیټې رئیس و. له هغې نه لږ وروسته ئې د افغانستان د جګړې د پلان په باب سوالونه را پورته کړل. تامي فرانکس چې په هغه وخت کې د امریکا د پوځي قوماندانۍ رئیس و پر کابل باندې بوازې د شمال له لورې د بریدل بند وبست وکړ. د ورځپاڼې په وینا فرانکس دا بنه اتکل کړې و چې طالبان به ماته وخوري خو دداسې کومې قوې بندوبست ئې ونه کړ چې د هغوې د تیښتې مخه ونیسي ورځپانه لیکې: د بوش د حکومت مامورین په ځانګړې محافلو کې اعتراف کوي چې دایوه ستره او خطر ناکه غلطي وه او همدا راز جان کیري په انتخاباتي مبارزه کې د اخبره راپورته کړې ده چې د بوش دحکومت قواوو په توره بوره کې داسامه بن لادن او د هغو د ملګرو د نیولو موقع له لاسه ورکړه او د ورځپاڼې په وینا سناتورکیري دا انتقاد کوې چې دبوش حکومت دادنده قبایلي مشرانو ته ور وسپارله.

واشنګټن پست لیکي په ازبکستان کې دامریکا د غرني فرقې یو غند او دعربستان په سمندر کې دوه سمندري قواوې دي ته چمتو وې چې دا کار وکړي خو جنرال فرانکس د جنرال سایرز دا تجویزونه مانه د طالبانو حکومت سقوط وکړ بن لادن او ملاعمر حیل بهترین جنګیالي د جنوب شرق په لور په شا کړل او چا ئې مخه ونه نیوله او وروسته له دریو اونیو له توري بوري ځخه په شاه شول جنرال فرانکس وروسته د پښتنو د خوشحالولو په مقصد د هغو ملیشو ته اجازه ورکړه چې په جنوب کې عملیات پر مخ بوزي.

واژه های ...

از تمرکز قدرت و حکومت های استبدادی، حکومت بایستی از راه چند قوه یا دستگاه و نهاد های از هم جدا اداره شود.

تفکر تفکیک قوای سه گانه (مقننه، اجرائیه و قضائیه) از زمانه های قدیم به وسیلۀ فلاسفۀ جهانی مطرح شده است، که از جمله می توان به ارسطو اشاره کرد و این تفکر در قرون اخیر به وسیلۀ فلاسفۀ قرن هفدهم و هجدهم بیشتر پرورش یافت.

آنان بر مسألۀ تفکیک قوا برای جلوگیری از تمرکز فساد و خود کامگی و قرار گرفتن قدرت در دست یک شخص یا یک گروه تأکید کردند. و معتقد بودند که قدرت بی حد و مرز، خود سری می آورد و به گفتۀ "لرداکتون" قدرت فاسد کننده است، و قدرت مطلق، مطلقاً فاسد کننده می باشد."

اصل تفکیک قوا تقریباً مورد قبول اجماع حقوق دانان واقع شده و به عنوان اساس و پایۀ حقوق موضوعۀ کلاسیک در غرب مشروعیت یافته است و از دستاوردهای "منتسکیو" فیلسوف قرن هجدهم فرانسه به حساب است، که در اکثر قوانین اساسی کشورهای دنیا به چشم می خورد و بیشتر هدفش تکیه بر روی توازن و تعادل قوا است، که لزوماً هیچ یک از سه قوۀ مجریه، مقننه و قضائیه درکار یکدیگر دخالت نداشته باشند. مثلاً هیچ کارمند قوۀ مجریه نتواند در عین حال نمایندۀ پارلمان باشد و یا هیأت وزیران یا کابینه حق قانون گذاری را نداشته باشد.

در عصر حاضر تفکیک قوا به طور کامل بین سه قوه ممکن نیست ولی حتی المقدور سعی شده است که سه قوه از هم جدا باشند.

در تفکیک قوای نسبی نوعی تشریک مساعی بین سه قوه وجود دارد. نظیر قوانین اساسی اکثر کشورهای غربی.

شبی والاتر از هزار ماه ۱



عبدالقیوم ملک زاد

نگه حیران که آخر این چه نور است
خرد بی خودکه یارب این چه شوراست

ابوالمعانی بیدل

دل، هر نفسی شوق تپیدن می کاشت!

نگـاه، بـا تمامـت بـی تـابی، در پهندشـت نیلـی افـق، سیر مـی کـرد تـا پس از یازده ماه، ردِ پای او را دریابد!

ناگهـان خروشـی در سـر تـا سـر گیتی پیچید؛ خروشی کـه ـ زبان هـا را بـه ساز تهنیـت و اداشـت تـا نعـره زننـد ـ المنـه لله کـه اینـک گـل نشـانش را چیـدیم. طلایـهٔ حلـول پـر میمنـتش را دیـدیم کـه بـا جلـوه یـی خـاص، در مجلـس سـتارگان پدیـدار گشته! جـامی زریـن بـه کـف دارد کـه

لبریـز از بـادهٔ نشـاط اسـت تـا لـب تشنگان وادی انتظـار را، جرعـه جرعـه در گلو چکاند و آنان را ببالاند!

او، سـر انجـام باشـکوه و پـرجلال، گام هـای فـیض کـار واسـتوار خـود را، درمیان همهمه یـی از سـرور، فـراپیش نهـاد. مقـدمش را گرامـی داشـتند ومخلصـانه بـه پـذیرایی اش همـت گماشتند!

او، آمد. اما بـا بـزرگ تـرین وعـالی ترین تحایف وهدایایی کـه نمـی تـوان قیمتی به آنها تعیین کرد...!

او، آمـد. تحفـهٔ تقـوا آورد، نـو برپـاکی آورد، سـوغات فضـیلت آورد، خورشـید هـدایت آورد، قـدر آورد و در شب قدر، آفتاب آورد!

او آمد، بـا خـود بهـار آورد؛ تعـالی الله! چه بهار جلـوه زایـی، کـه عطـر هرشـاخ گـل او، عـالمی را بـه مسـتی آگنـده...! بهـاری کـه گلدسـته هـای نـور افشـان طهـارت را، در کوچـه هـای اندیشـه و دل های خدا باوران فرش کرده!

او، آمد. بـا خـود پیـامی بـه وسـعت جهـان آورد؛ پیـام رسـتگاری را، پیـام کامگاری را، پیام بردباری را.

او آمـد، اینـک از مقـدم او صـد جلوه روئیده! چـه جلـوه یـی کـه از هـر ذره اش، خورشـید جوشـیده! تماشـا کـن، کـه از هـر چشـمه اش هـر سـو دوصد جیحون جدا گشته...!

بلی، بنگـر کـه از حضـور او، عقـل، غـرقِ بـی خـودی گشـته! چنـان بـی خود که او مستانه می گوید:

ندانم ای خدا اکنون چه شور است
نگه حیران که آخر این چه نور است؟

این چه نور است؟...!

بلـی! او آمـد. وفرامینـی دلنـواز وهسـتی سـاز ومعصـیت برانـداز را، بـه گـوشِ جـان بنـدگان خـدا، ایـن گونـه برخواند:

مأمور پیشکش ساختن سه مژدهٔ بزرگم. سه مژده برای سه دههٔ اقامت!

رحمـت: کـه کشـتزارهای سـوختهٔ ایمـان، بـا بـاران او، دوبـاره بـه نشـو ونمو آغازند و شاداب گردند.

مغفـرت: کـه ریشـه وتنـهٔ گناهـان فقط با او قطع می شوند!

نجـات یـا رهیـدگی، از بنـد آتـش دوزخی که از او می ترسند!

مـاهی فـرا رسـید کـه سـعادت در رکـابش بـود و فـلاح انـدر کنـار او و همزمـان بـا ورودش شناسـاند کـه آموزگـاری مهربـان اسـت. فرمانـدهی پرصـلابت اسـت و بـا عظمـت، کـه بسـیج کـردن علیـه منکـرات کـار اوسـت. شورشـگری بـر ضـد لشـکر گنـاه، دعـوت او! و آمـاده شـدن بـرای قیـام و ایجـاد انقـلاب، خواسـت او و بر افراشتن بیـرق پرشـکوه جهـاد اکبـر در برابر کلیـه مظـاهر زشـتی، پـوچی و پـوکی وبیهـودگی، ظلمـت و فسـاد...، نکـاتی عمـده از سرفهرسـت برنامـه های قاطع و سازندهٔ او...!

او، شـروع کـرد بـه نمـایش قـدرت بزرگ خـود، ابلـیس زشـت و سوسـه گـر را به بند کشید و بـا هیبتـی عظـیم بانـگ بـر آورد. از وسوسـه هـای ایـن لعـین اجتناب بورزید و بـا مشـتی کوبنـده، فـرق خواسته هایش را خورد کنید!

گفت: اگـر بـا منیـد، وقایـه خواهیـد شـد و از نقـص و ضـرر در امـان خواهید بود. فـتح و ظفـر از رکـاب تـان بوسـه هـا خواهـد ربـود و پاداشـی را نصیب خواهید گشـت کـه دهنـده اش، جز ذات بی چونْ کسـی دیگـر نیسـت که از قـول او گفتـه شـده: (فهـو لـی و أنا اجـزی بـه) «او (روزه) از مـن اسـت و من پاداش آن را می دهم.»

گفـت: وجـود مـن، مصـدر خیـر است وشـادی. وهـر لحظـهٔ مـن آیینـه دار شـوق ریاضـت اسـت وعشـق ورزی. فرمود:

زمان خوشدلی دریاب، دریاب
که دایم در صدف گوهر نباشد
بشوی اوراق اگر همدرس مایی
که علم عشق در دفتر نباشد
زمن بنیوش و دل در شاهدی بند
که حسنش بستهٔ زیور نباشد

... ثابـت سـاخت کـه رهنمـای دلسـوز وخیرخـواه ماسـت و گفـت: آنچه در تیر رس یـورش منـند، معرکـه افرینـان در برابـر حلالنـد یـا حـرام گرایـانی کـه کارشـان دروغ اسـت، فریـب اسـت، نیرنـگ اسـت، تعـدی است، نامردی است، بـی رحمـی اسـت وبودن در ردیف قابیـل زادگـان مظلـوم ستیز حق گریز!

فهمانـد کـه مسـلمان، دارای امتیـازی بـزرگ اسـت و امتیـازش بیشتر از دولـت آن اسـت کـه بـا اویـم، و او با من!

دانانـد خـدای را بـه خـوردن ونخـوردن مـا، نیـازی نمـی باشـد. امـا این گرسنه مانـدن وتشـنه لبـی اختیـار کـردن، در پهلـوی تـرک معاصـی دیگـر، فلسـفهٔ بـزرگ دیـن، در کـانون عاطفـهٔ بشـری اسـت و در تربتگـاه وسیع احسـاس وهمـدلی و ایثـار ونـوع پـروری، و در یـک جملـه پـرداختن بـه رحمت و دلجویی فقیر!

راسـتی چـه رمـز بزرگـی در ایـن نکته(احساس) نهفتـه اسـت، نکتـه یـی کـه خطی فاصل میان انسان وبهایم می کشد

از یمـن ایـن نعمـت عظمـی، یـا دردمنـدی اسـت کـه بشـر بـه ادای شـکر مـأمور مـی شـود. هرگـاه ایـن اشرف مخلوقـات در برابـر نعمـاتی کـه خـدا نصـیبش فرمـوده، سـپاس گـزار نبـود. نعمـت او زایـل مـی گـردد و بـا پـای خـود بـه سـوی عـذاب الهـی کشانده مـی شـود. بـرخلاف شـکر کـه لازمه اش افزونی نعمت است.

دسـتگیری از بینوایـان، یکـی از طـرق ادای شـکر و سـپاس گـزاری در مقابـل نعمـات اسـت. احسـاس دستگیری و آگهـی یـا آشـنایی از وضـع دردنـاک مسـتمندان و تهـی دسـتان، زمـانی تحقـق مـی پـذیرد کـه آدمـی زادگـان برخـوردار از ثـروت ورفـاه، مصایب آنان را عملاً درک کنند.

آنـانی کـه بـه عمـق فجـایع ومشـکلات بیچارگـان ره یافتنـد وخـود را به طـور آزمـایش بـه گونـهٔ آنـان در آورنـد. درک خواهنـد کـرد کـه اجـازه ندارند از بام تا شـام دسـت بـه خـورد و نـوش بزننـد. در همـین فرصـت اسـت کـه روزه دار تـوان منـد، بـر روی مشکل گرسـنگی وطاقـت فرسـا بـودن این رنج جانکاه صحه مـی گـذارد و بـا تکرار ایـن شـعار و فراخـوان نتیجـهٔ آن را چنین بر می شمرد:

اگر اینجا کشایی عقده یی از کار محتاجان
در جنت برویت باز گردد بی کلید آنجا!

بیایید همه به رأی مردم ...

ملـت را بـا رهبـری خداجویانـه، سـالم ومـردم محـور خـود بدهـد. آنهـایی کـه نگـران پاسـخ گـویی بـه اعتمـاد مـردم نیسـتند در حقیقـت بـه قـانون، ارادهٔ مـردم، مـردم سـالاری وانتخابـات پشت پـا زده و کرسـی اقتـدار را فقـط بـه عنـوان وسیلهٔ رسیدن به هـوس هـای شخصـی خـود بـه کار برده اند وچنین کـار در طـول تـاریخ عـواقبی ناشیانه برای اربابان قدرت در برداشته است.

برنـدهٔ اصـلی در انتخابـات مـردم اسـت کـه توانسـتند بـا تمثیـل وحـدت همگـانی و وفـاق ملـی، زعـیم سـورد نظـر شـان را برگزیننـد، استقبال پرشور مردم از انتخابـات بـه معنـای ایـن اسـت کـه قاطبـهٔ مـردم بـه سرنوشـت سیاسـی شـان علاقـه منـدنـد و پـس از ایـن، مـردم نمـی خواهنـد کـه زعمـای وارداتـی، میراثـی و زورگـو وقلـدر بـر ایـن کشـور حکومـت کنـد و بـر زعـیم منتخـب آینـده لازم اسـت کـه بـا انتبـاه از ارادهٔ مـردم، سـعی نمایـد روز تـا روز کشـور در عرصـه هـای سیاسـی، اقتصـادی، نظـامی، صـنعتی، علمـی و... روی پـای خـود ایسـتاده شـود و در سـمت خـود کفـایی حرکـت کنـد. بـدون شـک همکـاری وهمـدردی بـین المللـی بـا دولـت افغانسـتان فقـط در حـد ضـرورت اسـت و ادامـهٔ این وضـع در دراز مـدت ممکـن نیسـت و ملـت و دولـت مـردان مـا بایـد درایـت و کفایـت اداره و رهبری کشورشان را به تنهایی پیدا کنند.

بر زعامت منتخـب اینـدهٔ کشـور اسـت کـه بـا آغـاز دورهٔ قـانونی جدیـد کـه دیگـر مصـلحت نگـری هـای ادوار موقـت و انتقـالی پـیش او نیست بـا همکـاری هیـأت حاکمـه و در روشـنایی قـانون اساسـی جدیـد ومشـوره هـای پارلمـان جدیـد التأسـیس، گـام هـایی متـین و اسـتوار در مسـیر اداره، رهبـری و آبـادی کشـور بـردارد. همـان گونـه کـه مـردم بـا اندیشـهٔ وفـاق ملـی زعیم خود را انتخـاب کردنـد، زعـیم ملـی نیـز بـه نوبهٔ خود بـه پـاس ایـن اندیشـه، دولتـی ملـی و متکی به آرا و ارادهٔ همهٔ اقـوام، گـروه هـا وملیـت ها تشکیل بدهـد کـه دیگـر جـایی بـرای چنـین اعتراض ها باقی نمانـد کـه گویـا در ترکیـب بدنـهٔ مرکزی و یـا ولایتـی معیـار هـای اهلیـت، تـوازن و انصـاف مراعـات نگردیـده اسـت. همچنـان بـر زعامـت آینـدهٔ کشـور لازم اسـت تـا جـرأت، زحمـت کشـی واندیشـمندی کاندیـداهای غیـر پیروز را احتـرام گذاشـته و بـا تمجیـد از مشـارکت فعـال آنهـا در رونـد انتخابـات، بـه مشـوره هـای دلسـوزانه و داهیانـهٔ آنهـا در مسـائل کـلان و عمدهٔ کشور ارج بگذارد.

بـی تردیـد در جریـان برگـزاری انتخابـات عیـوب و نارسایی هـایی بـه طـور طبیعـی وجـود مـی داشـته باشـد و هـر مشـکل در موقـع آن توسـط مـردم، کاندیـداها یـا همکـاران شـان و یـا هم نـاظران بـین المللـی بـه مراجـع مسـؤول یـاد دهـانی گردیـده اسـت و مراجـع بررسـی کننـده مانند کمیسیون بـرای شـکایات و یـا هیـأت بـین المللـی حقیقـت یـاب کـه مشـغول تحقیـق وتفحـص در ایـن رابطـه انـد، بـا بررسـی تمـام شـکایات وارده، شـاید براینـد کارشـان را پـس از جمع بنـدی ونتیجـه گیـری کلـی اعـلان نماینـد. کاندیـداهای محتـرم و سـایر شـاکیان تـا وقـت اعـلان نتـایج آرا بـه پـیش داوری بایـد نپردازنـد وقـوع اشـتباه وگـاهی هـم تقلـب در جریـان انتخابات در بعضی مـوارد یـک امـر طبیعـی اسـت و این رویـدادها حتـی در کشـورهایی کـه خـویش را مـادر دموکراسـی مـی خواننـد و انتخابـات را طـی سـالیانی متمـادی تجربـه کـرده انـد، بـازهم اتفـاق مـی افتـد، کشـور مـا کـه پـس از دو تـیم دهـه جنـگ و بحـران بـرای نخسـتین بـار انتخابـات عمـومی را بـرای تعیین زعامـت ملـی تجربـه مـی کنـد، وقـوع چنـان حـوادثی بـه طـور حتمی قابـل پـیش بینـی اسـت، آنچـه کـه بـرای قاطبهٔ مردم و دسـت انـدرکاران دولـت مهـم مـی باشد، ایـن اسـت کـه بـه خـاطر اشـتباهات خـورد نباید ارادهٔ کل جامعـه را زیـر سـؤال بـرد و نسـبت به آرای عمـوم مـردم، شـک وتردیـد بـه خـود راه داد، بلکـه لازم اسـت تـا مـوارد شـکوک نشـان دهـی شـود و افـراد متخلـف تنبیـه گردنـد و آرای مبتنی بر تخلف وتقلب باطل اعلان شود.

حین ارائـهٔ برنامـه هـای کـاری کاندیـداها بـه مردم در جریان مبـارزات انتخابـاتی، شـاید گـاهی تلخ کلامی ها و حـرف هـای تیـز و تنـدی میـان آنهـا رد و بـدل شـده باشـد و هـر یـک بـرای بـه کرسـی نشـاندن حـرف هـای خـود، برنامـه هـا وعمل کردهای رقیـب و یـا رقبـای خـود را بـه بـاد انتقـاد گرفتـه باشـد، چنـین پـیش آمـدهایی از جملـهٔ مقتضـیات آزادی، مـردم سـالاری وانتخابـات اسـت وبهتـرین کاندیـدا همـان اسـت که مـوارد نـامبرده را در آینـده بـه زبـان نیـاورد و بـا بزرگـواری نتیجـهٔ انتخابـات را بپـذیرد و بـدین وسـیله بـه آرای اکثریـت مـردم احتـرام بگـذارد و اگـر بـر تفـوق و برتـری اهـداف و برنامـه هـای خـاص خـودش اطمینـان دارد، طـی پـنج سـال دیگر وقـت دارد تـا مـردم را بـه وجـه احسـن بـه ایـن حقیقـت آگـاه سـازد تـا ان شـاء الله در انتخابات آینده رأی مورد نظر را کمایی کند.

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم   سال سوم   شمارهٔ بیست ونهم   چهارشنبه ۶ عقرب ۱۳۸۳   ۱۳ رمضان المبارک ۱۴۲۵ — 27 October 2004

د افغانستان د اسلامي جمعيت وياند محمد نسيم فقيری:

دولس مشري په ټاکنو کښي نيمګړتياوي موجودي وي چي تمه لرو په پارلماني ټاکنو کښي تکرار نشي

د بـي بـي سـي د راډيـو پښتـو څانګـه هر هفته دسه شنبي پـه ماښام د اوونـي د بحث تر سرليک لاندي خپرونـه لـري چـي دچهار شنبي په سهار بيا تکرارېږي.

دولـس مشـري لـه ټاکنونـه وروسـته او د راتلـونکي حکومـت څرنګـوالي د پرونـي ماښـام دبحـث موضـوع وه چـي د افغانسـتان د اسـلامي جمعيـت ويانـد او ليکـوال محمـد نسيم فقيري تـه هـم بلنـه ورکـړ شـوي وه، او دنوموړي دخبرو مهم ټکي دادي:

۱. د تـاکنو پـه لـړکښي د درغلـي دتورونو پـه هکلـه بهتـره بـه داوي چـي د حقيقـت مونـدلو دکميسـيون دپلټنـي پايلوته انتظار وباسو.



۲. دولـس مشـري پـه تـاکنو کښـي نيمګړتيـاوي موجـودي وي چـي تمـه لـرو په پارلماني ټاکنو کښي تکرار نشي.

۳. ولـس مشـر بايـد دهيـواد سياسـي او ټولنيز مصلحتونه په نظر کښي ونيسي.

۴. پــه رياســتي سيســتم کښــي ائــتلاف معنـي نـه لـري بلکـه دملـي مشـارکت خبـره مطرح ده

۵. مونـــږ کـــار پـــوه او باصـــلاحيته حکومـت غـواړو. کـارپوه او بـا صـلاحيته کسـان پـه قومونـو، سـيمو او ګونـدونو کښـي شـته دي. او داسـي حکومـت بايـد جوړشـــي چـــي د تـــول افغانســـتان استازيتوب ولري.

اعزامی

بیایید همه به رأی مردم احترام بگذاریم

علـی رغـم یـک سلسـله شـایعات مبنـی بـر ایجـاد تـنش وبـی نظمـی در جریـان برگـزاری انتخابات، لله الحمد ایـن فراینـد ملـی صـرف نظـر از وقـوع چنـد حادثـه یـی کوچـک، موفقانـه انجـام یافـت. کـار شـمارش آرا نیـز بـا وجـود همـه مشکلات به پایـان رسـیده اسـت. اگـر چـه نتیجـهٔ قطعـی شـمارش آرا وبرنـدهٔ اصـلی هنـوز از جانـب کمیسـیون مشـترک برگـزاری انتخابـات وهیـأت بی طرف بـین المللـی حقیقـت یـاب رسـماً اعـلان نگردیده ، ولی از قراین پیداسـت کـه انتخابـات بـه دور دوم کشانیده نمـی شـود و آقـای حامـد کـرزی رئیس فعلـی دولـت انتقـالی اسـلامی افغانسـتان بـا بـه دسـت آوردن بیشـتر از پنجـاه در صـد آرا ، برندهٔ انتخابات خواهد بود.

برنـده بـودن وبازنـده بـودن در انتخابـات نـزد کسـانی مطـرح اسـت کـه در کـار کاندیـدا شـدن ویـا رأی دادن ویـا ادارهٔ رونـد رأی گیـری منـافع علیـای مردم را مطمح نظـر قـرار نمـی دهنـد، یـا بـه عبـارهٔ دیگـر کاندیـداها، مـردم وهیـأت هـای برگـزار کننـدهٔ انتخابـات ، حـین کاندیـدا شـدن یـا رأی دادن ویـا ادارهٔ رونـد انتخابـات، بـه دورنمـا وهـدف نهـایی انتخابات نیندیشـیده وانتخابـات را فقـط پدیـده یـی در جهـت رسـیدن بـه منـافع نزدیـک و زودگـذر خـود تعبیرنمـوده انـد. برهـر خردمنـدی از قبـل هویـدا بـود که از جملهٔ هژده نفـر کاندیـدا فقـط یـک نفـر شـانس رسـیدن بـه کرسـی ریاسـت جمهـوری را دارد ودیگران بـه طـور محتـوم در ایـن رقابـت بـه مطلـب نمـی رسـند. ولـی آنچـه کـه ایـن عزیـزان ورأی دهنـدگانی را کـه کاندیـدای دلخـواه شـان پیـروز نگردیـده، وادار بـه مشـارکت در ایـن پروسـهٔ ملـی کـرده اسـت، همانـا ادای رسـالت ایمـانی ، قـانون منـد کـردن گـزینش زعـیم از طریـق بازگشـت بـه آرای عامـه وتنبیـه زعـیم کشوراسـت مبنـی بـر این که او بـا رأی مـردم بـه قـدرت رسـیده اسـت: لذا وی باید قبـل از همـه آرمـان هـا ، خواسـته هـا عقایـد وپیشـنهادات مـوکلان خـود را یـا از زبـان خودشـان ویـا از زبـان نماینـدگان شـان کـه عنقریـب از طریـق انتخابـات پارلمـانی برگزیـده می شـوند بشـنود وآن را نصـب العـین و در دسـتور کـار خـود قـرار بدهـد. معهـذا انتشـار ایـن اخبـار وشایعات که فـلان کاندیـدا برنـده وفـلان کاندیـدا بازنـده اسـت ، کـار معقـول ودر خـور شـأن افـراد هدف منـد، متعهـد وخـدمتگزار مـردم نیسـت وبـا چنـین تجزیـه وتحلیـل هـا نبایـد رونـد مـردم سالاری که تازه در کشـور مـا جـان گرفتـه اسـت ، بطـی کـرده شـود، بایسـته اسـت کـه همگـان برگـزاری موفقانـهٔ انتخابـات را اسـتقبال کـرده وتمـام سـعی وتـلاش شـان را در جهـت تعمیـق ایـن اندیشـه بـه کـار ببرنـد تـا در آینـده هـا ایـن نشسـت هـر چـه بیشـتر جابیفتـد و کمـی هـا وکاستـی هـای مرحلـهٔ نخسـتین آن نیـز در دوره های بعدی اصلاح گردد.

زعامـت منتخـب آینـده نبایـد از پیـروزی خـود در انتخابـات مغـرور شـود، بلکـه او بایـد ممنـون اعتمـاد ملـت باشـد واز همـین اکنـون بـاخود بیندیشد که چگونه باید پاسخ ص۷

ایډز یا زموږ د پیړۍ ستر مصیبت

ن-زړاومل

ایډز هغه ویروسي ناروغي تـه وایـي چـي د بـدن دفـاعي سیسـتم کمـزوري کـوي، نـاروغ د ډول ډول سـرطاني تکلیفونـو او نـورو مکروبـي ناروغیـو پـه وړانـدي بـي دفـاع کوي او دومره نـي کمزوري کـوي چـي پـه پـاي کـه بـي د مړیني لامل ګرځي.

ایـډز لـه دریـو لارو لـه یـو انسان څخـه بـل تـه خپرېږي لومړي د جنسـي تمـاس لاره، کلـه چـي یـو تـن پـه دغـه ناروغـي اختـه وي بـل تـه هـم سـرایت کـوي چـي دغـه راز ویروس بیـا زیـاتره د فحشـاو لـه لاري ځېکـنیا پیـدا کـوي او له یو نه بل ته خپرېږي.

دویم یـو بـل تـه د وینـي د ورکـړي لـه لاري او د ککړیـو سـرنجونو یـو بـل تـه د اسـتعمال لـه لاري، د سـلماني د چـړي، بسـواک د حجامـت د لوازمـو او د خـالکوبي د سـتنو له لاري د ایډز د خپرېدو امکانات ډېر دي.

دریم د هغـي مـور لـه لاري چـي د ایـډز یـا HIV پـه تکلیف اختـه وي او خپـل ماشـوم تـه شـیدي ورکـړي او یـا دا چي زیږېدو مخکي یـا وروسـته او یـا د زیږیـدو پـه وخـت کـي ماشوم ته دغه خطرناک ویروس ورسیږي.

پـه ایـډز بانـدي اختـه شـخص امکـان لـري تـر لسـو کـالو پـوري ژونـد وي خـو یـه د تـه مـوده کـي کـمـدي نـي نـورو ډیرو کسانو ته دغـه نـاروغي ولیـږدوي، زیـاتره کسـان چـي پـه نوموړي ناروغي اختـه وي امکـان لـري پـه ظـاهري توګـه سري ته سالم معلوم شي.

دا هـم بایـد وویـل شـي چـي دغـه نـاروغي د ټـولنیز معاشـرت، د کـور د لوښـو د اسـتعمال، ښکلولـو ، پـه غیـږ کـي نیولو، ټوخي یـا پرشـکي لـه لاري نـه خپرېـږي بلکـي یـواځي د جنسـي نږدېـوالي، دسـرنجونو، اسـتعمال شـویو چـړو او څېنـو نـورو طبـي ککړوسـامان الاتـو لـه لاري یـو بـل تـه انتقال مومي. خو د جنسـي تمـاس لـه لاري پـه سـلو کـي 75 ، دککړو سـرنجونو او نـورو طبـي سـامان آلاتـو لـه لاري پـه سـلو کـي 10 او دوینـي د اسـتفادي لـه لاري پـه سـلو کـي یواځي پنځه ددغه ویروس د انتقال امکانات شته دي.

همدارنګه په ایـډز بانـدي لـه نـاروغي مـور څخـه خپـل ماشـوم تـه د امیـدواري او زیږیـدو پـه وخـت کـي پـه سـلو کي 10 ددغه مکروب د ککړتیا اټکل کیدي شي.

څرنګـه چـي ښځـي د انسـاني ټـولني نیمـايي نفـوس جـوړوي او د راتلـونکي نسـل در روزونکـي رول لـري نـو د ټولني سلامتیا د مور د سلامتیا پوري تړلې ده.

انسـان کـه نارینـه وي یـا ښځـه هـم د خپـل ځـان د سـلامتیا او هـم د نـورو دروغتیـا پـه وړانـدي مسـول دي ، د قـران کـریم تعلیمـات او نـوري اسـلامي سپارښـتني ټـول خلـک د خپـل ځـان او نـورو د سـلامتیا پـه وړانـدي مسـوول او مکلـف ګڼـلي نـو لـه دي املـه د هغـو اطلاعـاتو تـر لاسـه کـول چـي انسـان د ایـدز د کـور وړانـدوونکي ناروغـي پـه خطرونـو وپوهـوي ټولـو تـه لازم دي او پـه خـاص ډول ښځـي بایـد د ایـدز پـه بـاب زیـاتي وپـوهلي شـي، پـه ایـدز بانـدي د 2000 مـیلادي کـال مخکـي نږدي 52 ملیونـه تـه اختـه و چـي بیـا زیـاتره هغـه ښځـي وي چي تن فروشي نـي کـولو او لـه زیـاتو کسـانو سـره نـي جنسي تماسونه نیول.

څرنګـه چـي ددغـه خطرناکـه ویـروس د معـالجي لپـاره اتیـز من درمل نشته او تـر اوسـه ورتـه واکسـین نـه دي کشـف شـوي نـو ښـه بـه دا وي چـي وقـایوي تـدبیرونـه نـي ونسـول شـي او پـه خـاص ډول د ناجـایزه جنسـي تماسـونو څخـه پـه کلکه ډډه وشي.

واشنگتن پست:

پر افغانستان کي دامريکا پوځي عمليانو کړ شمير نيمګړتياوي درلودي

د پـورتني سـرليک لانـدي د واشـنګتن پسـت ورځپـاني چـي پـه امريکـا کـي خپرېـږي پخپلـي يـوي تـازه ګڼـه کـي يـو مطلـب خپـور کـړي چـي څنـي غـټ ټکـي نـي وړانـدي کـوو.

ورځپانـه پـه افغانسـتان کـي د متحـده ايـالاتو د پـوځي پـلان او عملياتو د نيمګړتيا وو پـه هکلـه اشاره کـوي او وائـي : دامريکـا د هـوائي قـواوو جنـرال ريچـارد مـايرز ديـو باندي دوه زرم کال داکتوبر ۶ مخ